

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مباحثه باموضوع:

آیه تطہیر آیہ تطہیر

بین

سیدعباس (شیعہ) و عثمان (وہابی)

عثمان:

همسران رسول خدا نیز شامل حال ایه تطهیر می شوند

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۳۲) وَقُرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳) وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴) احزاب »

در سه آیه فوق الذکر، ۴ جا را با خط سرخ مشخص و برجسته مشخص کردم، اول معنی آیه را ببینید :

((ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای

هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید !

و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا

دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما

اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش

خوانده می‌شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است !))

پس آیات خطاب به زنان پیامبر است چون با جمله (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ) شروع شده است .

کلمه دومی که سرخ شده (بُيُوتِكُنَّ) است یعنی ای زنان پیامبر در خانه های خود بنشینید و بیرون نروید

پس الله میگوید خانه های شما زنان ! پس زنان پیامبر هرکدام یک خانه داشتند! خانه ای خاص به خود !

خانه ای که هم خانه آنها بود هم خانه پیامبر

یعنی پیامبر ۹ خانه داشت و زنان پیامبر هرکدام یک خانه .

در جمله برجسته شده سوم (أَهْلَ الْبَيْتِ) الله میگوید میخواهم شما ای اهل بیت را پاک کنم پس برای پاک

شدن بدستوراتی که گفتیم عمل کنید یعنی با صدای محکم حرف زدن رعایت حجاب نماز خواندن و زکات

دادن و بیرون رفتن از خانه . پس منظور از اهل البیت در اینجا چه کسانی هستند؟ شما بگوئید !

در همین آیات یکبار دیگر کلمه (بُيُوتِكُنَّ) آمده و در آن الله به زنان رسول میگوید :

شایسته است که به آیات الله و سنت رسول که در اول خانه های شما نازل میشود توجه فراوانی مبذول

دارید .

شما را قسم برب العالمین آیا هیچ راهی است که ما این آیات را در حق همسران پیامبر ندانیم؟

در آیه زیر، یکبار دیگر الله سخن از خانه های زنان پیامبر میکند ، اما در اینجا دیگر نمیگوید خانه های

همسران! میگوید خانه های پیامبر ، یعنی خانه پیامبر خانه زنش است و میتوانی بگویی خانه پیامبر و میتوانی بگویی خانه عایشه .

این سخن خیلی واضح است توضیح لازم ندارد اما چون بعضی ها نمیخواهند قبول کنند ناچار به تکراریم آیه را ببینید :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ)

۵۳ احزاب

((ای مومنان در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر بعد از آنکه بشما اجازه داده شود))

پس پیامبر یک بیت نداشته بیوت داشته است پس دوستدار اهل البیت، باید اهل هم بیوت را دوست داشته باشد .

معلمی از دانش آموزش بپرسد خانه تو کجاست ؟ دانش آموز میگوید میدان آزادی !

و اگر باز بپرسد خانه مادرت کجاست؟ باز جواب میشوند میدان آزادی! و باز اگر بپرسد خانه پدرت

کجاست؟ باز پسر میگوید میدان آزادی! فرقی ندارد که !!

اگر پدر سع زن داشته باشد آنوقت معلم میتواند کلمه جمع را برای کلمه (خانه) بکار گیرد و بپرسد خانه های پدرت در کجا هاست؟

و به این خاطر قرآن میگوید بیوت النبی، زیرا ایشان یک خانه نداشت .

حالا اگر معلم بپرسد خانواده پدرت چند نفرند؟ نمیگوید خانواده های پدرت چند نفرند زیرا خانواده خودش

اسم جمع است و پس لازم نیست که دوباره جمع بسته شود .

عربی هم همینطور است، اهل بیت یعنی خانواده. چرا در آیه نیامده اهل البیوت؟ زیرا اهل البیت خودش

اسم جمع مذکر است .

سیدعباس:

این آیه از هیچ طریقی برای همسران رسول خدا قابل نصب و جمع نیست،

دلیل اول: به لحاظ ادبیات عرب دچار مشکل هست

دلیل دوم: وهابیت قائل بر این هستند هیچ کسی جز پیغمبر معصوم نیست و این آیه برای عصمت

هست و اگر منزلتی نداشته دیگر وهابیت خودشان را به ای و اتش نمی زدند که این آیه را در شان

عایشه بیاورند

دلیل سوم: به لحاظ کلامی دچار مشکل هستند، زیرا عایشه عملکرد بسیار سوء و منفی در زمان

حیات رسول خدا و بعد ایشان داشته است که این مسئله با عصمت در تنافی هست

دلیل چهارم: خود عایشه کار ما را راحت کرده است و بر این اعتقاد هست این آیه در شان او

نیست

دلیل پنجم: به لحاظ دلالتی هم از منظر قران این ایه شامل ازواج النبی نمی شود

دلیل اول :

به لحاظ ادبیات عرب دچار مشکل هست

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ...وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا 32-33 احزاب

همان طور که می بینید در آیات قبل و بعد ایه تطهیر از دو صیغه جمع و مونث استفاده شده است و اهل سنت بر این باور هستند چون آیات قبل و بعد در مورد همسران و ازواج النبی هست لذا این ایه هم در شان ازواج النبی هست حال آنکه وقتی ما به ایه تطهیر می رسیم اولاً صیغه جمعی وجود ندارد و دوماً صیغه مذکر می شود

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

همان طور که می بینید اهل بیوت و قرن بیوت که صیغه جمع هست در این ایه تبدیل به صیغه مفرد تبدیل شده است لذا پیغمبر دارای تعدد ازواج و خانه بوده اند و به همین جهت در آیات قبل و بعد از تعدد خانه سخن گفته حال چرا به این ایه رسیده است صیغه جمع تبدیل به یک خانه شد؟

ایا خداوند ادبیات عرب را فراموش کردند؟ در نتیجه اگر این ایه شامل همه ازواج النبی باشد خداوند می بایست می فرمودند اهل بیوت و نه اینکه بفرمایند اهل بیت و همین که خداوند دیگر با تعدد ازواج و بیوت کاری ندارد یعنی با خانه ویژه و خاصی سخن می گویند و همین مسئله مهر بطلان به یاوه سرایان هست

نکته دوم این هست که آیات قبل از صیغه مونث سخن گفته و چون در مورد ازواج نبی هست صیغه، صیغه مونث هست : قرن، جن، کن، ین و عن، خوب این عقلانی هست وقتی خداوند در مورد زنان سخن بگوید از صیغه مونث استعمال کند اما سوال پیش می آید اگر ایه تطهیر نیز عطف و پیوست به ایه های قبل هست و در شان زنان رسول خدا هست چرا از صیغه مذکر استفاده نموده و فرموده است یطهرکم، مگر وهابیت نمی گوید این ایه در شان ازواج النبی هست پس چرا صیغه مذکر هست؟ لذا این نکته نیز مهر بطلان بر اوهمات آنها می باشد و نشان از ان دارد خداوند در مورد خانه ای خاط سخن می گوید و اگر در مورد ازواج النبی بوده باید می فرمودند:

اهل بیوت و یطهرکن

دلیل دوم ::

وهابیت قائل بر این هستند هیچ کسی جز پیغمبر معصوم نیست و این ایه برای عصمت هست و مقام عصمت را مترتب می کند حال آنکه وهابیت می گوید ازواج النبی معصوم نیستند لذا این ایه بر آنها نصب نمی شود

دلیل سوم ::::::::::::::::::::::::::::::::::::::

به لحاظ کلامی دچار مشکل هستند، زیرا عایشه عملکرد بسیار سوء و منفی در زمان حیات رسول خدا و بعد ایشان داشته است که این مسئله با عصمت در تنافی هست

اگر ایه عایشه شامل حال ازواج النبی شده باشد پس آنها باید معصوم باشند حال آنکه در نزد اهل سنت ام المومنین قتیلہ کافر شده است و عایشه نیز عملکردهای بسیار سوء داشته و اگر آنها معصوم بودند نباید دچار انحراف و انحطاط می شدند بخشی از عملکرد عایشه را با هم می خوانیم که منافات با عصمت دارد

قران می فرماید باید همسران رسول خدا در خانه خود بنشینند و قرن فی بیوتکن حال آنکه عایشه خلاف قران عمل می کند و راه اندازی جنگ جمل می کند و به جنگ جمل می رود

- <http://kheyime133.ir/Forum/Catgory/293/Post/2137>
- <http://kheyime133.ir/Forum/Catgory/293/Post/1836>
- <http://kheyime133.ir/Forum/Catgory/293/Post/2038>
- <http://kheyime133.ir/Forum/Catgory/293/Post/1754>
- <http://kheyime133.ir/Forum/Catgory/293/Post/2122>
- <http://kheyime133.ir/Forum/Catgory/293/Post/2062>
- <http://kheyime133.ir/Forum/Catgory/293/Post/2039>

اینها بخشی از مشکلات عایشه بوده است

حال آنکه پدرش نیز او را قبول نداشته است

<http://kheyeme133.ir/Forum/Catgory/293/Post/1793>

<http://kheyeme133.ir/Forum/Catgory/293/Post/1794>

بها راستی یک زنی که ام المومنین باشد و صاحب عصمت باشد با یتیمان چگونه باید برخورد

کند؟

<http://kheyeme133.ir/Forum/Catgory/293/Post/1795>

دلیل چهارم ::::::::::::::::::::::::::::::

خود عایشه کار ما را راحت کرده است و بر این اعتقاد هست این ایه در شان او نیست

بخاری در صحیح خود به نقل از عائشه می‌نویسد که وی تصریح کرده است که هیچ آیه‌ای در قرآن کریم در

باره خاندان وی نازل نشده است :

حدثنا موسى بن إسماعيل حدثنا أبو عوانة عن أبي بشر عن يوسف بن ماهك قال كان مروان على الحجاز

استعمله معاوية فخطب فجعل يذكر يزيد بن معاوية لكي يبايع له بعد أبيه فقال له عبد الرحمن بن أبي بكر

شيئا فقال خذوه فدخل بيت عائشة فلم يقدروا فقال مروان إن هذا الذي أنزل الله فيه «والذي قال لوالديه

أف لكم أتعداني» فقالت عائشة من وراء الحجاب ما أنزل الله فينا شيئا من القرآن إلا أن اللق أنزل عذري .

از یوسف بن ماهک نقل شده است که معاویه بن ابی سفیان، مروان را به حکومت حجاز منصوب

کرده بود، مروان خطبه خواند و در آن از یزید بن معاویه نام برد تا برای حکومت بعد از پدرش از

مردم بیعت بگیرد. عبد الرحمن بن ابی بکر چیزی گفت، مروان گفت: او را بگیرد. عبد الرحمن

وارد خانه عائشه شد و آنها نتوانستند او را دستگیر کنند. مروان گفت: او کسی است که خداوند

این آیه را در باره او نازل کرده است: «و آن کس که به پدر و مادر خود گوید: «اف بر شما، آیا به

من وعده می‌دهید که زنده خواهم شد .»...

عائشه از پشت پرده گفت: هیچ چیزی از قرآن در باره ما خاندان نازل نشده است؛ مگر این که

خداوند [آیه] عذر مرا نازل کرده است (اشاره به آیه افک)

صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۸۲۷، ح ۴۵۵۰، کتاب التفسیر، باب «والذي قال لوالديه أف لكم...»، تحقیق د.

مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ .

عایشه می گوید هیچ ایه در شان او و خاندانش نازل نشده به جز افک، شما وهابیت چه کاره هستید که ادعا غیر دارید؟ ایا شما از عایشه بیشتر می فهمید؟ شما که می گوید عایشه امامه بود و صاحب افتا بوده ایا از او هم قران را بیشتر می فهمید؟

نکته بعدی این هست خود عایشه تصریح دارد این ایه در ان خمسه طیبه نازل شده است ::::::::::

عن صَفِيَّةِ بِنْتِ شَيْبَةَ، قَالَتْ قَالَتْ عَائِشَةُ خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَدَاةً وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مَرَحَلٌ مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌُّّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ قَالَ (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

صحیح مسلم: ۷/۱۳۰ ح ۶۴۱۴

عائشه گفت که رسول خدا صبح هنگام بیرون رفتند و بر روی دوش ایشان عبایی طرح دار از موی سیاه بود . پس حسن بن علی آمد پس او را در زیر عبا گرفت . پس حسین آمد و او را نیز وارد کرد . پس علی آمد او را نیز وارد کرد . سپس فرمود : خداوند می خواهد از شما اهل بیت پلیدی ها را دور کند و شما را پاک نماید .

دلیل پنجم ::::::::::::::::::::

به لحاظ دلالی هم از منظر قران این ایه شامل ازواج النبی نمی شود

اقایان متوجه باشند هر گردی، گردو نیست و در بازار هر سیبیلویی هم پدرشان نیست، ما در قران ایه ای داریم که خداوند فرزند حضرت نوح را از اهل بیتش نمی داند، در صورتی که فرزند هر

کس از اهل بیت او هست

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ

سوره هود آیه ۴۶

خداوند فرمود ای نوح او از خاندان تو نیست او (صاحب) عمل ناشایست است . دیدگاه علما در این مورد :

جالب این جا هست که بزرگ نواصب عالم ابن تیمیه نیز اقرار کرده است که این ایه در شان خمسه طیبه نازل شده است ::::

و در جای دیگر می گوید :

وقد ثبت في الصحيح عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه خطب الناس بغدير يدعى خما بين مكة والمدینة فقال إني تارك فيكم الثقلين أحدهما كتاب الله فذكر كتاب الله وحض عليه ثم قال وعترتي أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي والحسن والحسين من أعظم أهل بيته اختصاصا به كما

ثبت فی الصحیح أنه دار کساءه علی علی و فاطمة و حسن و حسین ثم قال اللهم هؤلاء أهل بیتی فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا .

در روایت صحیح از پیامبر صلی الله علیه وآله ثابت شده است که آن حضرت در غدیر خم (میان مکه و مدینه) در حضور مردم خطبه خواند و فرمود: همانا من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم، یکی کتاب خدا است. آنگاه مردم را درباره آن سفارش کرد. سپس فرمود: وعترت من، اهل بیت من. شما را به خدا سفارش می‌کنم در مورد اهل بیتم. این جمله را سه مرتبه تکرار کرد. و حسن و حسین از بزرگان اهل بیت رسول خدا و نزدیکترین افراد به آن حضرت است؛ چنانچه در روایت صحیح ثابت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله کسایش را بر علی، فاطمه، حسن و حسین انداخت پس از آن فرمود: خدایا این ها اهل بیت من هستند پس رجس و پلیدی را از آنها دور کن و آنها را پاک گردان .

ابن تیمیه الحرنابی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنه النبویه، ج ۴، ص ۵۶۱، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسه قرطبه، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ .

ابن حجر هیثمی:

أكثر المفسرين علی أنها نزلت فی علی و فاطمة و الحسن و الحسين لتذكیر ضمیر عنکم وما بعده بیشتر مفسران به دلیل ضمیر مذکر «عنکم» آیه را در شان علی و فاطمه و حسن و حسین دانسته‌اند .
الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، ج ۲ ص ۴۲۱، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر الهیثمی الوفاء: ۹۷۳ هـ، دار النشر :

مؤسسه الرساله - لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط .

قسطلانی همچنین می‌گوید :

الجمهور علی أنهم: علی و فاطمة و الحسن و الحسين. قال: وحجّه الجمهور قوله تعالی: عَنْكُمْ، وَيُطَهَّرُكُمْ «۲» ب «المیم» ولو كان للنساء خاصة لقال: عنكن .

ابن عطیه می‌گوید: جمهور (اکثریت) علمای اهل سنت نظرشان این است که منظور از اهل بیت در آیه علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) هستند و دلیل آنها ضمیر (ک) می‌باشد که در واژه های عنکم و طهرکم با (میم) ذکر شده و اگر این آیه شامل زنان پیامبر می‌شد، می‌بایست به جای واژه عنکم خداوند

واژه عنکن را یعنی به صورت مؤنث در این آیه می‌آورد

المواهب اللدنیه ج ۳ ص ۳۴۰ و ص ۳۶۱ المکتب الاسلامی

همانطور که مشاهده کردید ان حجر و امام قسطلانی نیز به خاطر وجود ضمیر عنکم قائل بر این هستند و می‌گویند در نزد بیشتر مفسرین این موضوع مبسوط هست که در شان خمسه طیبه

بوده است

نووی-یکی دیگر از مفاخر و از بزرگان اهل سنت که بر صحیح مسلم، شرحی نوشته-چنین آورده :
واما قوله فی الروایة الاخری نساؤه من اهل بيته ولكن اهل بيته من حرم الصدقة قال وفي الرواية الاخری
فقلنا من اهل بيته نساؤه قال لا فهاتان الروایتان
ظاهرهما التناقض والمعروف فی معظم الروایات فی غیر مسلم انه قال نساؤه لسن من اهل بيته فتأول
الرواية الاولى على ان المراد انهن من اهل بيته الذين
يساكنونه ... فنساؤه داخلات فی هذا كله ولا يدخلن فيمن حرم الصدقة

زید بن ارقم در روایت قبلی گفت : زنان پیامبر جزء اهل بیت ایشان هستند و لكن اهل بیت ایشان
كسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است . و در این روایت گفت : زنان حضرت از مصادیق اهل
بیت ایشان نیستند . این دو نقل ظاهرا با هم تعارض دارند ، ولی آنچه که معروف است و در اکثر
روایات ما غیر از روایات صحیح مسلم ، آمده است این است که زنان حضرت از مصادیق اهل بیت
نیستند ، بنابراین توجیه روایت اول که گفت : زنان پیامبر جزء اهل بیت ایشان هستند این گونه
می شود : که زنان پیامبر از مصادیق اهل بیته هستند که پیامبر آنها را مسکن و مأوا داده ... پس
زنان پیامبرص، کلا داخل این هستند ولی از مصادیق اهل بیته که صدقه بر آنها حرام شده است
نیستند .

صحیح مسلم شرح نووی ج ۱۵ ص ۱۸۰

اما طریق ایه تطهیر ::::::::::::::

این روایت به درجه تواتر لفظی رسیده است اما جناب اقا عثمان می گوید دو طریق دارد یکی ام سلم هم و
یکی عایشه براستی این جهلا هیچ درکی از رجال ندارند فقط آمده اند برای خاله بازی
البخاری - التاريخ الكبير - الجزء : (۹) - رقم الصفحة : (۲۵)

- 205 أبو الحمراء له صحبة ، قال أبو عاصم : ، عن عیاد أبي يحيى قال : ، نا : أبو داود ، عن أبي الحمراء ،
قال : صحبت النبي (ص) تسعة أشهر فكان إذا أصبح كل يوم ، يأتي باب علي وفاطمة فيقول السلام عليكم
أهل البيت : إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا .

سنن الترمذی - تفسير القرآن عن رسول الله - ومن سورة الأحزاب - رقم الحديث : (۳۱۳۰)

- حدثنا : عبد بن حميد ، حدثنا : عفان بن مسلم ، حدثنا : حماد بن سلمة ، أخبرنا : علي بن زيد ،
عن أنس بن مالك : أن رسول الله (ص) كان يمر بباب فاطمة ستة أشهر إذا خرج إلى صلاة الفجر ، يقول :
: الصلاة يا أهل البيت : إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا ، قال أبو عيسى :
هذا حديث حسن غريب من هذا الوجه إنما نعرفه من حديث حماد بن سلمة قال : وفي الباب ، عن أبي
الحمراء ومعقل بن يسار وأم سلمة .

سنن الترمذى - مناقب أهل بيت النبي (ص) - المناقب عن رسول الله (ص) - رقم الحديث : (٣٧١٩)
- حدثنا : قتيبة بن سعيد ، حدثنا : محمد بن سليمان الإصبهاني ، عن يحيى بن عبيد ، عن عطاء بن
أبى رباح ، عن عمر بن أبى سلمة ربيب النبي (ص) قال : نزلت هذه الآية على النبي (ص) : إنما يريد الله
ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا ، فى بيت أم سلمة فدعا النبي (ص) فاطمة وحسناً
وحسيناً فجلبهم بكساء وعلى خلف ظهره فجلبه بكساء ثم قال : اللهم هؤلاء أهل بيتى فأذهب عنهم
الرجس وطرهم تطهيرا قالت أم سلمة : وأنا معهم يا نبى الله ، قال : أنت على مكانك وأنت إلى خير قال :
وفى الباب ، عن أم سلمة ومعقل بن يسار وأبى الحمراء وأنس قال : وهذا حديث غريب من هذا
الوجه .

سنن الترمذى - المناقب عن رسول الله - ما جاء فى فضل فاطمة بنت محمد (ص) - رقم الحديث : (٣٨٠٦)
(

- حدثنا : محمود بن غيلان ، حدثنا : أبو أحمد الزبيرى ، حدثنا : سفيان ، عن زبيد ، عن شهر بن
حوشب ، عن أم سلمة : أن النبي (ص) جلى على الحسن والحسين وعلى فاطمة كساءً ، ثم قال :
اللهم هؤلاء أهل بيتى وخاصتى أذهب عنهم الرجس وطرهم تطهيرا ، فقالت أم سلمة : وأنا معهم يا رسول
الله ، قال : إنك إلى خير ، قال أبو عيسى : هذا حديث حسن صحيح ، وهو أحسن شىء روى فى هذا الباب
وفى الباب ، عن عمر بن أبى سلمة وأنس بن مالك وأبى الحمراء ومعقل بن يسار وعائشة .
إبن حبان - صحيح إبن حبان - الجزء : (١٥) - رقم الصفحة : (٤٣٢)

- 7102 خبرنا عبد الله بن محمد بن سلم ، حدثنا : عبد الرحمن بن إبراهيم ، حدثنا : الوليد بن مسلم ،
وعمر بن عبد الواحد ، قال ، حدثنا : الأوزاعى ، عن شداد أبى عمار ، عن واثلة بن الأسقع ، قال : سألت ، عن
على فى منزله ، فقيل لى ذهب يأتى برسول الله (ص) ، إذ جاء ، فدخل رسول الله (ص) ، ودخلت ، فجلس
رسول الله (ص) على الفراش ، وأجلس فاطمة ، عن يمينه وعلى ، عن يساره ، وحسناً وحسيناً بين يديه وقال :
إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا ، اللهم هؤلاء أهلى ، قال واثلة : فقلت : من
ناحية البيت : وأنا يا رسول الله من أهلك ؟ ، قال : وأنت من أهلى ، قال واثلة : إنها لمن أرجى ما أرتجى
إبن حبان - طبقات المحدثين بإصبهان - الجزء : (٣) - رقم الصفحة : (٣٨٤)

- 858 وأخبرنا : بن أبى عاصم قال : ، ثنا : أبو الربيع الزهرانى قال : ، ثنا : عمار بن محمد ، قال سفيان
الثورى : ، عن داود أبى الجحاف ، عن عطية ، عن أبى سعيد الخدرى ، فى قوله تعالى : إنما يريد الله ليذهب
عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا ، قال : نزلت فى خمسة رسول الله (ص) وعلى وفاطمة وحسن
وحسين .

إبن حجر - الإصابة - الجزء : (٤) - رقم الصفحة : (٤٦٦)

- وأخرج أحمد والنسائى من طريق عمرو بن ميمون إنى لجالس عند بن عباس إذ أتاه سبعة رهط فذكر قصة
فيها قد جاء ينفذ ثوبه فقال : وقعوا فى رجل له عز وقد قال النبي (ص) : لأبعثن رجلاً لا يخزيه الله يحب الله
ورسوله فجاء وهو أرمم فبزق فى عينيه ، ثم هز الراية ثلاثاً فأعطاه فجاء بصفية بنت حى وبعتة يقرأ براءة على

قريش وقال : لا يذهب إلا رجل منى وأنا منه ، وقال لبنى عمه : أيكم يواليني في الدنيا والآخرة فأبوا فقال
على : أنا فقال : إنه وليي في الدنيا والآخرة وأخذ رداءه فوضعه على علي وفاطمة وحسن وحسين ، وقال : إنما
يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت .

مسند البزار - البحر الزخار - إسماعيل بن عبدالله ...

- 1989 حدثنا : عبد الله بن شبيب ، قال : ، نا : عبد الرحمن بن شبيب ، قال : ، نا : محمد بن إسماعيل بن
أبي فديك ، قال : ، حدثني : ابن أبي مليكة ، عن إسماعيل بن عبد الله بن جعفر ، عن أبيه ، قال : لما نظر
رسول الله (ص) إلى الرحمة هابطاً قال : من يدعو لي ؟ ، فقالت إبنته : أنا يا رسول الله ، فقال : إدعى علياً (ر)
فدعى وفاطمة والحسن والحسين (ر) ، فجعل الحسن ، عن يمينه ، والحسين ، عن يساره ، وفاطمة تجاهه ،
ثم غشاهم كساءً ، ثم قال : هؤلاء أهلي فأنزل الله تبارك وتعالى : إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل
البيت ويطهركم تطهيرا ، وهذا الحديث لا نعلمه يروى عن عبد الله بن جعفر إلا من هذا الوجه .

حداقل حقير ۹ طريق اروده ام كه اگر بخواهم می توانم انرا به بالای ۲۰ طريق هم برسانم
اما علمای اهل سنت به روایتی كه به ۳ طريق از ناحیه صحابی برسد را می گویند متواتر هست حال چه
برسد ۹ طريق

قال ابن حزم بعد نقل حديث: «لا تبيعوا الماء» عن أربعة من الأصحاب: فهؤلاء أربعة من الصحابة رضى الله
عنهم، فهو نقل تواتر لا تحل مخالفته.

المحلى، ج ۲، ص ۱۳۵

حديث «الائمة من قريش» كه تنها حديث مورد استناد گردانندگان سقيفه بوده است، فقط ۳ نفر از صحابه
آن را نقل کرده اند: أنس، عبدالله بن عمر و معاوية .
لذا روایت را متواتر دانسته اند .

الفصل ابن حزم، ج ۴، ص ۸۹